



**آیت الله سید محمد موسوی بجنوردی:** وی در سال ۱۳۲۴ در شهر نجف اشرف متولد شد و پس از گذراندن دروس فقهی نزد آیات اعظام و مراجع تقلید به درجه اجتهاد رسید. وی همچنین در زمینه حقوق خصوصی و فلسفه حدود ۵۰ مقاله علمی و یازده مجلد تالیف داشته است.

آیت الله بجنوردی تاکنون دو دوره به عضویت شورای عالی قضایی در آمده و علاوه بر ریاست دادگاه عالی، رئیس یکی از شعب دیوان عالی کشور و همچنین عضو هیأت عفو حضرت امام خمینی (ره) بوده است. وی در حال حاضر رئیس گروه حقوق و علوم سیاسی دانشگاه خوارزمی، مدیر گروه حقوق و فقه پژوهشکده امام خمینی (ره) و انقلاب اسلامی عضو کمیته کشوری اخلاق پزشکی و عضو هیأت مدیره دانشگاه خوارزمی است.



**حجت الاسلام غلامرضا مصباحی مقدم:** وی متولد سال ۱۳۳۰ در شهر مقدس مشهد و فارغ التحصیل در رشته دکترای فقه و اصول است که در سمت های مختلف علمی از جمله رئیس دانشکده الهیات دانشگاه تهران، معاون پژوهشی دانشگاه امام صادق (ع)، رئیس مرکز تحقیقات اسلامی قم، رئیس گروه اقتصاد اسلامی پژوهشکده حوزه و دانشگاه به فعالیت مشغول بوده و هم اکنون به عنوان رئیس دانشکده الهیات، معارف اسلامی و ارشاد دانشگاه امام صادق (ع) مشغول فعالیت علمی است. وی در حال حاضر به عنوان نماینده دوره هفتم مجلس شورای اسلامی در خانه ملت فعال است. مصباحی مقدم علاوه بر مقالات متعدد اقتصادی تاکنون چهار جلد کتاب با عناوین "در آمدی بر اقتصاد اسلامی"، "مبانی اقتصاد اسلامی"، "تلاخیص و تکمیل مبانی اقتصاد اسلامی" و "بررسی سیستم های اقتصادی" را به رشته تحریر در آورده است.

# بررسی جواز قرض الحسنه در سیستم بانکی کشور

تهیه و تنظیم: همایون آر مش  
عکس: امیر نریمانی



## مقدمه:

آیا تا به حال در بانکی حساب پس انداز باز کرده اید؟

دلیل شما از این کار چه بوده است؟

چه هدفی را دنبال می کردید؟

بهره مندی از اجر معنوی و یا تصاحب یک جایزه بسیار رویایی مانند یک خانه شیک با تمام وسایل یا یک خودرو بسیار زیبای آخرین مدل و یا میلیون ها تومان پول نقد و ....

امروزه بسیاری از ما با رویای تصاحب یک جایزه ارزشمند، هر چه را که در توان مادی ما باشد، به حسابی در بانکی می ریزیم و به انتظار روز قرعه کشی می نشینیم.

چند درصد از ما واقعاً به دنبال بهره مندی از ارزش ها و پاداش معنوی این اقدام خود بوده ایم؟

چه تعداد از ما واقعاً سعی کردیم به دنبال اهداف معنوی کار خود باشیم؟

در سالهای اخیر بانک های کشور، ماراتن نفس گیری را برای ارایه جواز چشمگیر آغاز کرده اند تا مشتریان بیشتری را به خود جلب کنند. این کار شاید باعث جلب مشتری شود، اما به نظر می رسد همین عمل می تواند نظام بانکی را حداقل در حوزه فعالیت های قرض الحسنه با مشکل مواجه کند.

چرا بانک های کشور چنین رویه ای را اتخاذ کرده اند؟ چرا این رویه باعث بروز موجی در میان مردم شد تا برای افتتاح حساب به امید جواز رویایی بانک ها اقدام کنند؟

آیا نمی توان ترتیبی اتخاذ کرد تا این رویه تعدیل شده و در کنار توجه به معیار های مادی، به مسائل و ارزش های معنوی نیز توجه شود؟

برای پاسخ به این پرسش ها میزگردی را ترتیب دادیم تا با بهره مندی از نظرات کارشناسان، صاحب نظران و اساتید بتوانیم به راهکار قابل قبولی برای فایق آمدن بر بحران جواز قرض الحسنه نایل شویم.

مشروح این میزگرد از نظر تان می گذرد:



**سید بهاء الدین حسینی هاشمی:** متولد سال ۱۳۳۴ در شهر کلاردشت و فارغ التحصیل رشته مدیریت بازرگانی از دانشگاه شهید بهشتی و نیز فارغ التحصیل رشته مدیریت عالی اجرایی از سازمان مدیریت صنعتی در مقطع فوق لیسانس است. وی تاکنون علاوه بر مقالات علمی متعدد، کتاب اصول بانکداری را نیز به رشته تحریر در آورده است. حسینی هاشمی در گذشته و پس از استخدام در بانک صادرات، به عنوان، تحویلدار، کارشناس اقتصادی، عضو هیأت مدیره و مدیر عامل بانک صادرات استان اصفهان، مدیر امور شعب و عضو هیأت مدیره بانک صادرات ایران فعالیت های بانکی خود را آغاز کرد و در حال حاضر نیز به عنوان رئیس هیأت مدیره و مدیر عامل بانک صادرات ایران مشغول فعالیت است.



**مجید حاجی نوروز:** وی متولد سال ۱۳۳۳ در شهر تهران و فارغ التحصیل کارشناسی ارشد حسابداری و علوم مالی از دانشگاه حسابداری و علوم مالی شرکت ملی نفت ایران است و کتابی با عنوان "ابزارهای جدید در زمینه عملیات بانکی بدون ربا" را نیز به رشته تحریر در آورده است. حاجی نوروز در حال حاضر مدیر امور نظارت بر بانکها در بانک مرکزی جمهوری اسلامی ایران و در گذشته نیز سمت های اجرایی، رئیس ستاد مطالعات و تدوین مقررات بانکی، بازرس بانکها، سر بازرس بانکها، معاون اداره سازمان و روشها، رئیس دایره بررسی واحدهای بانکی در اداره سازمان و روشها و نماینده ریاست کل بانک مرکزی در کمیسیون برنامه ریزی و نیروی انسانی و تحول اداری بانک مرکزی بوده است. وی همچنین در کمیته ایجاد کننده سازمان خدمات مالی اسلامی (IFSB) بوده و تا زمان تاسیس آن عضویت داشته است.



**عبدالحسین عطوفی:** وی در سال ۱۳۳۶ و در شهر تهران متولد شد و تحصیلات خود را در رشته علوم اقتصادی دانشگاه علامه طباطبائی به پایان رسانید و سپس دانشنامه خود را در مقطع کارشناسی ارشد علوم اجتماعی (گرایش جامعه شناسی) از دانشگاه تهران اخذ کرد. وی در حال حاضر به عنوان سرگروه مرکز مطالعات مالی و بودجه دبیرخانه شورای عالی بانکها فعالیت دارد.



**حمید رضا حاجی بابایی:** وی متولد سال ۱۳۳۸ شهر همدان است که تحصیلات خود را در مقطع کارشناسی در رشته الهیات و معارف اسلامی در دانشگاه تهران به پایان رسانید و پس از آن در مقطع کارشناسی ارشد در رشته علوم قرآنی و حدیث از دانشگاه آزاد اسلامی واحد کرج فارغ التحصیل شد و سپس در همین رشته تحصیلات خود را تا سطح دکتری در واحد تحقیقات دانشگاه آزاد تهران به پایان رسانید. حاجی بابایی علاوه بر تدریس در دانشگاه تربیت مدرس به عنوان استاد دوره آموزش عالی فرهنگیان و نیز استاد دانشگاه آزاد فعالیت علمی خود را ادامه داده است. وی همچنین فعالیت های سیاسی خود را طی دودوره (دوره های پنجم و ششم) نمایندگی مجلس شورای اسلامی آغاز و اکنون به عنوان رئیس فراکسیون فرهنگیان و عضو هیأت رئیسه مجلس شورای اسلامی فعالیت های سیاسی خود را در دوره هفتم مجلس شورای اسلامی ادامه داده است.



**ناصر کریمی:** وی متولد سال ۱۳۳۵ در شهر تهران و فارغ التحصیل کارشناسی ارشد بانکداری از مؤسسه بانکداری است. وی در گذشته به عنوان بازرس و سر بازرس در هیأت نظارت بر بانکها مشغول بوده و در حال حاضر نیز به عنوان رئیس بازرسی بانکها در همان هیأت فعال می باشد.



**فرنوش بهرامپور:** وی متولد ۱۳۴۷ شهر تهران و فارغ التحصیل کارشناسی ارشد روابط بین الملل از دانشگاه آزاد اسلامی است. بهرامپور تاکنون ۱۰ عنوان مقاله تخصصی در حوزه مسائل خاور میانه نوشته و کتابی تحت عنوان "راهبرد زیست محیطی اسرائیل" در دست چاپ دارد. وی در حال حاضر علاوه بر معاونت دفتر آموزش سازمان حفاظت از محیط زیست به عنوان نویسنده با نشریات مختلفی همکاری دارد.

سؤال های این میزگرد توسط بهرامپور مطرح شده است.



**موسوی بجنوردی:**  
این مقرضینی که  
قرض الحسنه - که  
شما اسمش را قرض  
الحسنه می گذارید -  
به بانک - که یک  
شخصیت حقوقی  
است - می دهند،  
برای این است که در  
آن قرعه کشی برنده  
شوند و هدفشان  
این نیست که سود  
ببرند

**حسینی هاشمی:** چندی پیش در جلسه ای با حضور آقای دکتر شیبانی برخی از انتقاداتی که علما و مسئولان به نحوه اهدا جوایز داشتند، مطرح شد. از جمله این که به پول نقد به عنوان جایزه ابراداتی وارد شد. مثلاً در قرعه کشی مرحله قبل، بانک صادرات اعلام کرد که به سه نفر، هر نفر ۱۰۰ میلیون تومان پول نقد می دهد، بعد از بانک صادرات، بانک دیگری اعلام کرد ۱۵۰ میلیون تومان، دیگری گفت دوازده کیلومتر اسکناس می دهد، به هر حال بانک ها جایزه های گوناگونی را به شکل های مختلف عرضه و این جوایز را به گونه های مختلف بیان کردند. مثلاً دوازده کیلومتر اسکناس ممکن است ۵۰ میلیون تومان شود. بانک ها بر حسب نحوه رفتار، روانشناسی، جامعه شناسی و بازاریابی جوایز را مطرح کرده اند. از آن طرف، حسابهای قرض الحسنه را به عنوان یک قرض نیکو و یک منبع بسیار ارزشمند در بانکداری اسلامی می شناسیم و می توانیم از این طریق بخشی از منابع مالی افراد خیر را به عنوان قرض الحسنه گرفته، و سودی به آنها بپردازیم و بعد بپاییم آن را به آدمهای مستمندی که توان پرداخت سود بانکی را ندارند، در قالب تسهیلات بانکی پرداخت کنیم. یعنی این گونه سپرده گذارها از سودشان صرف نظر می کنند. برای اموری بسیار خاص و مردمی و خداپسندانه مثل ازدواج، تهیه جهیزیه، هزینه درمان بیماری، هزینه تحصیل و در این قبیل موارد، بانک ها تسهیلاتی در اختیار افراد نیازمند قرار می دهند. نوع جوایزی که بانکها برای جمع آوری این سپرده ها در نظر گرفته اند، ذهنیت جامعه، سپرده گذارها و مسئولان را نسبت به اهمیتی که این منابع مالی و این گونه حسابها دارد، قدری با تردید مواجه کرده است. آقای دکتر شیبانی در همان جلسه فرمودند شما تغییری به نوع جوایزتان بدهید و بر مبنای هزینه ها و تورمی که باعث کاهش ارزش پول و قدرت خرید پول می شود، میزان و نوع آن را تعیین کنید. حتی آن کسی که نزد ما پول می گذارد ضرر می کند، پس بگذارید به نوعی از آن بهره برداری کنیم که به نیت آن افراد - که افراد زیادی نیز هستند - و به نیت خیرخواهی و خداپسندانه و انساندوستانه این کار را می کنند، لطمه نخورد. بپاییم جوایز را با نوع آن حساب متناسب کنیم و ایشان - آقای دکتر شیبانی - بیشتر به جوایز معنوی نظر داشتند، جایزه ای بدهیم تا فرد برنده بتواند چند نفر زندانی دارای مشکل مالی را از طریق بانک آزاد کند. ثواب این کار به فرد برنده برمی گردد. ضمن اینکه جوایز دیگری هم بدهیم. یعنی جوایز معنوی که بتواند مسئله قرض الحسنه را تحت الشعاع مسائل دیگری قرار ندهد، و خدای نخواستہ صرفاً بهره برداری مالی نشود. بعضی ها می گویند روش فعلی اعطای جوایز شبیه لاتاری و بلیت های بخت آزمایی است و بعضی دیگر روی آن اسم های دیگر می گذارند. ما به عنوان متولی بانک، از این روش راضی نیستیم. در تبلیغات قرعه کشی مرحله قبل با وجود این که جایزه های زیادی گذاشتیم، ولی گفتیم به سه نفر، به هر کدام ۱۰۰ میلیون تومان پول نقد می دهیم و مردمی که نیاز شدید مالی دارند، روی برد این جوایز حساب های رویایی باز کردند. ما آماری داریم که متأسفانه تکان دهنده است؛ یعنی ۲ درصد سپرده گذارهای ما ۷۰ درصد سپرده های سیستم بانکی را دارند و ۹۸ درصد سپرده گذارهای دیگر ۳۰ درصد

سپرده های بانکی را در اختیار دارند. یعنی از ۷۰۰ هزار میلیارد ریال دارایی نقدی که نزد بانک هاست، ۴۹۰ هزار میلیارد ریال متعلق به ۲ درصد از سپرده گذارهاست، حال اگر دارایی غیر نقدی هم به همین ترتیب باشد، قطعاً شکاف بزرگی میان آنها به وجود می آید و آنهایی که ندارند، بیشتر تحت تأثیر این تبلیغات قرار می گیرند. از طرف دیگر این تبلیغات تأثیر زیادی بر مردم دارد و بر اثر همین تبلیغات، افراد مختلفی حساب های قرض الحسنه افتتاح کرده اند، به همین دلیل در فکر مطرح کردن جوایزی هستیم که آرزوهای کاذب و جاذبه های کاذب ایجاد نکنند و باعث رنجش دیگران نشود. از طرف دیگر باید ۲ درصد منابع قرض الحسنه را به صورت جایزه به قید قرعه و یا هر روش دیگر بپردازیم، و باز الزام داریم که از هر ۲۰ نفر باید یک نفر برنده شود. یعنی ۵ درصد دارندگان حسابهای قرض الحسنه باید برنده شوند. جوایز ما را هم باید طوری تقسیم کنیم که در هر استان ۵ درصد مردم حتماً برنده شوند. یعنی تعداد جایزه ها باید ۵ درصد واجدان شرایط باشد. به هر حال می خواهیم این کار را انجام دهیم، حتی به قیمت اینکه میزان سپرده مان ۵۰ تا ۶۰ درصد رشد کند یا نکند، ولی اگر ما به اجماعی برسیم که بهترین و مؤثرترین راه تعیین جوایز که با روح قرض الحسنه سازگاری داشته باشد، حتماً این کار را خواهیم کرد. امروز از منتقدین و از صاحب نظران بسیار ارزشمند کشورمان که در این جمع تشریف دارند خواهش می کنیم که ما را در این زمینه ارشاد و راهنمایی بفرمایند.

**بهرامپور:** بیایید برگردیم به حدود بیست و چند سال پیش؛ زمانی که حداقل موجودی در بانک ها برای شرکت در قرعه کشی حساب های قرض الحسنه ۵۰۰ تومان بود و در آن موقع ۵۰۰ تومان رقم بالایی بود، به طوری که یک دانشجوی در یک دانشگاهی مثل دانشگاه تهران با این ۵۰۰ تومان می توانست برای چند ماه امور خودش را بگذراند. بزرگترین جایزه ای که در آن زمان سیستم بانکی می داد، یک اتومبیل پیکان یا یک اتومبیل رنو بود و خیلی ها هم مشتاق بودند که این پول را بگذارند. یکی با ۸۰۰ هزار تومان پول جایزه می برد و یکی با ۵۰۰ تومان و الی آخر. آن زمان گذشت و بنا به هر دلیلی ثروت ها و سرمایه های زیادی در این مملکت به وجود آمد که یک سری باد آورده و یک سری از راه کار و زحمت بود. به این ترتیب حجم نقدینگی بالا رفت و سیستم بانکی به این فکر افتاد که بر اساس برخی از دستورالعمل هایی که در بسیاری از کشورها برای مهار تورم رایج است، این نقدینگی را جذب کند تا جلوی تورم گرفته شود. بنابراین بحث صندوق های قرض الحسنه و حمایت از این صندوق ها مطرح شد و در نهایت کار به جایی رسید که ما موضوع قرعه کشی را مطرح و به مردم اعلام کردیم بیایید پول بگذارید تا علاوه بر اجر معنوی، از جوایز استثنایی هم بهره مند شوید، ضمن اینکه آستانه این پول را هم در بانک ها بالا بردیم ۵۰۰ تومان به ۱۰ هزار تومان تبدیل شد. حجم و تنوع این جوایز الآن به صورت سرسام آوری در حال تغییر است و این امر بسیار زیبا و خدا پسندانه به یک معضل تبدیل شده است. می خواهم بحث خود را از نقطه ای که جناب آقای حسینی هاشمی به آن اشاره کردند، شروع کنم، یعنی جوایز قرض الحسنه که در حال

حاضر برای خیلی‌ها تبدیل به یک معضل شده است. موضوعی که در آن موقع برای یک هدف زیبا بود و همه می‌آمدند پول می‌گذاشتند تا یک نفر دیگر استفاده کند. شعار "یکی برای همه، همه برای یکی" در این سیستم در حالیکه الآن به صورتی در آمده است که ما پول می‌گذاریم، حتی با مبالغ بسیار زیاد تا در نهایت ماشین یا چیزی برنده شویم. بعد هم پول مان را از حساب بیرون می‌کشیم، و هر اتفاقی که بیفتد به ما ربطی نخواهد داشت و آن موضوع زیبا - ببخشید من این را عرض می‌کنم - به یک نوع کاسبی تبدیل شده است. می‌خواهیم در این نشست این موضوع را بررسی کنیم که چگونه این طور شد؟ آیا واقعاً دوستان یا صاحب‌نظرانی که اینجا حضور دارند، مسئله جواز قرض الحسنه را یک معضل می‌دانند؟ و اگر می‌دانند، دلیلشان چیست؟ و اگر نمی‌دانند، در نظام بانکی چه جایگاهی را برای جواز قرض الحسنه در نظر می‌گیرند؟

**موسوی بجنوردی:** من اول مفهوم واقعی قرض را تعریف می‌کنم. قرض عبارت است از اینکه مقرض تملیک می‌کند و مقرض که در سررسید، عوض واقعی این شیء را که به او تملیک کرده، پرداخت بکند.

مثلاً قرض کنید بنده وقتی که یک میلیون تومان - من مقرض هستم - به شما (مقرض) قرض می‌دهم. در سررسید عوض واقعی یک میلیون تومان را باید به من بدهید. می‌دانید که ماهیت پول و اسکناس اعتباری صرف است. یعنی در حقیقت پول و اسکناس عبارت است از نشانه یک مقداری از قدرت خرید. واقعیت این است که من مقداری قدرت خرید را به شما تملیک می‌کنم و شما در سررسید باید همان قدرت خرید را به من (مقرض) برگردانید. این واقعیت قرض است. حالا شما (مقرض)

به عنوان شخصیت حقوقی بانک می‌گویید به مقرض جایزه می‌دهیم. البته نه به شخص معینی، می‌گویید ما قرعه کشی می‌کنیم و به ده نفر مثلاً قرض کنید نفری یک میلیون تومان جایزه می‌دهیم و مشخص نمی‌کنید که به چه افرادی این جوايز را می‌دهید. این مقرضینی که قرض الحسنه که شما اسمش را قرض الحسنه می‌گذارید -

به بانک - که یک شخصیت حقوقی است - می‌دهند، برای این است که در آن قرعه کشی برنده شوند و هدفشان این نیست که سود ببرند. یعنی وقتی که من به شما، قرض می‌دهم و شرط می‌کنم که سود ببرم، این در روایات آمده است "كُلِّ قَرْضٍ نَجْرًا مِنْ فَعَلٍ فَهُوَ رِبَا" یا در روایت دیگری می‌فرماید "كُلِّ نَجْرًا مِنْ

فَهُوَ حَرَامٌ" یعنی شما صرفاً می‌آیید به من قرض می‌دهید و هیچ شرط سود هم به من نمی‌کنید.

مسئله‌ای که در اینجا مطرح می‌شود، این است که شما (مقرض) به عنوان شخصیت حقوقی بنا دارید به مجموعه مقرضینی که جمع شده و یک مبلغی را داده‌اند، یک جوايزی را از طریق قرعه به چند نفر از آنان بدهید. این جوايزی که داده می‌شود، سود صدق نمی‌کند، قرضی است که منفعت جلب می‌کند، چون اگر قرض صدق کرد که جلب منفعت کند، مسلماً از مصادیق ربای قرضی است.

**بهرامپور:** پس کسب اعتبار از این باب مستثنی می‌شود، یک بانک مثلاً می‌آید خدمات خوبی در این زمینه به مردم می‌دهد و در رقابت از بانک‌های دیگر جلو می‌افتد، آیا او با این هدف که می‌خواهد اعتبار معنوی کسب کند، از این قضیه مستثنی می‌شود؟

در واقع بانکی که این کار را می‌کند، از دیگران می‌گیرد تا صرفاً دارایی خود را بالا ببرد؟

**موسوی بجنوردی:** به فرض اینکه بالا ببرد، مقرض که چیزی گیرش نمی‌آید، ببیند اعتبار داده می‌شود. به مقرض اعتبار می‌دهید تا اعتبار معنوی ببینید، نه اعتبار مالی. اگر اعتبار معنوی باشد که ثواب آن بسیار زیاد است و در روایات زیادی داریم که وقتی انسان قرض می‌کند و اصل آن را در سررسید می‌پردازد، یک چیزی اضافه بر مبلغ قرضی خودش بپردازد، بدون اینکه شرطی در این باره گذاشته شده باشد و در روایات داریم که "خَيْرُ الْقَرْضِ مَا جَرَّ مَنْفَعَةً".

پس برای ده نفر، بیست نفر، منظور کردیم که با قید قرعه بدون مشخص کردن فرد معینی به آنها جوايزی بدهیم. اگر گفتیم این جوايز داده می‌شود، این‌ها قرضی نیست که برای مقرض سود جلب می‌کند. این موضوع داخل در همان قسم می‌شود که "كُلِّ قَرْضٍ يَجْرُو مَنْفَعُهُ فَهُوَ رِبَا" یا فهُوَ حَرَامٌ. اگر گفتیم: نه، این قرضی نیست که سود جلب کند. این عمل مثل قضیه بلیت بخت آزمایی می‌ماند. بلیت بخت آزمایی را جایز می‌دانیم و می‌گوییم درست است یا همان لاتاری که



در انگلستان است، از نظر من اینها اشکال ندارند. اما نمی‌توانم بگویم این قرضی که الآن من به شما به عنوان یک شخصیت حقوقی می‌دهم، برای من جلب منفعت می‌کند. الآن شما هیچ شرطی با من نمی‌کنید که چیزی به تو می‌دهم یا نه! الآن به شما بلاعوض قرض می‌دهم به امید شروع قرعه

حسینی هاشمی:  
بعضی‌ها  
می‌گویند روش  
فعلی اعطای  
جوايز شبیه  
لاتاری و بلیت‌های  
بخت آزمایی است  
و بعضی دیگر  
روی آن اسم‌های  
دیگر می‌گذارند. ما  
به عنوان متولی  
بانک، از این روش  
راضی نیستیم





**مصباحی مقدم:**  
برخی از فقها عقیده دارند پول از اشیای مثلی است و اگر بنا را بر این گذاشتید که یک میلیون تومان قرض بدهید، حق دارید یک میلیون تومان هم باز پس بگیرید. نه زیاد و نه کم

کشی که اگر به نام من درآمد، چیزی گیرم بیاید. ممکن است خیلی احتمال داشته باشد، که چیزی در قرعه کشی گیرم نیاید. یک بحثش این است.

موضوع دیگر که در بانک ها مراعات نمی شود این است که من مقرض به عنوان یک شخصیت حقیقی که به شمای شخصیت حقوقی فرض کنید ۱۰ میلیون تومان قرض می دهم تا سال دیگر اصل آن را به من بدهید. سال آینده شما به من همان ۱۰ میلیون تومان را می دهید؛ در حالی که اگر ۲۰ درصد تورم باشد، شما باید پول من را بدهید. الآن قرض را برایتان تعریف کردم. (تملیکین عین به العوضه واقعی) عوض واقعی را باید به من بدهید، باید شما آن مقدار نرخ تورم را که باعث کاهش قدرت خرید شده است روی پول بگذارید و به من مقرض بدهید. مثلاً فرض کنید اگر ۱۰ میلیون تومان به شما دادم، شما باید به من ۱۲ میلیون تومان بدهید.

**بهرامپور:** از هر راهی که ما به ازای تأمین شود!

**موسوی بجنوردی:** وقتی من قرض دادم، من مقرضم و شما مقترضید و باید در سررسید عوض واقعی این قدرت خرید را که امروز به شما دادم، به من بدهید.

**بهرامپور:** این عمل مشکوک به ربا نمی شود؟

**موسوی بجنوردی:** نه، ربا نیست. پول من را پس می دهید.

**بهرامپور:** یعنی بانک برای اینکه خواسته من را تمکین کند، باید به هر عملیاتی دست بزند؟

**موسوی بجنوردی:** آن بحث دیگری است. فعلاً چیزی از آن، مطرح نمی کنم. اکنون رابطه مقرض با مقترض را عرض می کنم. اجازه دهید ابتدا رابطه حقوقی آن را بیان کنیم. عرض بنده این است مقرض که الآن شما هستی به بانک که او مقترض است قرض الحسنه می دهید، باید بانک در سررسید پول شما را پس بدهد.

باید بانک مقدار نرخ تورم را محاسبه و بر روی پول شما اضافه کند. چون قدرت خرید کاهش یافته است. زیرا زمانی که من به شما ۱۰ میلیون تومان قرض دادم، قدرت خرید را به شما قرض دادم و شما باید همان قدرت خرید را در سررسید به من پس بدهید. اگر ندهید، ضمه شما فارغ نشده است و این موضوع به شرط نیاز ندارد. اصلاً طبیعت قرض این است که تملیک عین به طرف است و در سررسید باید عوض واقعی را بدهد. حتی در بعضی تعابیر داریم: "اعلاء وجه ضمان"، یعنی مقداری که در ضمه آمده است، باید آن را به من برگردانید.

**مصباحی مقدم:** البته فرمایش حضرت آیت الله بجنوردی از نظر بنده فرمایش متینی است و ایشان تعریفی از پول اعتباری دارند که همین تعریف این اقتضاء را دارد، که مابه التفاوت قدرت خرید به قرض دهنده پرداخت شود. ولی برای این که این جابجاء بحث، بحث علمی است، لازم است این را عرض کنم که دیدگاه ها در مورد تعریف پول و در مورد اینکه آیا این مابه التفاوت ربا است یا خیر، مختلف است. ایشان پول را قدرت خرید تعریف کردند. این تعریف پول را همه اقتصاددانان، همه حقوق دانان و همه فقها نمی پذیرند و نظراتی است که می گوید پول وسیله ای است که ما به ظاهر مبادله می کنیم و در واقع

همان اسکناس است. این اسکناس اعم از اینکه قدرت خرید باشد یا نباشد، ما آن را مبادله می کنیم. در بازار مردم هزار تومان می دهند و مثلاً جنسی می خرند. یا این که یک میلیون تومان می دهند، مثلاً جنس دیگری می خرند. هیچ توجه خاصی به این که این یک میلیون تومان چقدر قدرت خرید دارد، ندارند. بر این اساس است که نظر عرف جامعه در مورد پول، قدرت خرید نیست. برخی از فقها نیز همین را مبنای فتوای خودشان قرار داده و فرموده اند پول از اشیای مثلی است و اگر بنا را بر این گذاشتید که یک میلیون تومان قرض بدهید، حق دارید یک میلیون تومان هم باز پس بگیرید. نه زیاد و نه کم. از جمله حضرت امام (ره) و آیت الله فاضل لنگرانی از مراجع تقلید امروز نیز فتوایشان این است که عرض کردم و در کنارش اشاره ضمنی داشتند مبنی بر این که شرط هم نیاز نیست. بعضی از فقها می گویند، اگر شرط کند که من این قدرت خرید و این پول را می دهم که حکایت از این مقدار قدرت خرید می کند. یک سال بعد که تو پول را برمی گردانی باید این قدرت خرید حفظ شده باشد. در این صورت وفاء به شرط لازم است. ولی مبنای آنها در تعریف پول این نیست که آقای بجنوردی می فرمایند. آنها مبنای دیگری در تعریف پول دارند. بعضی ها این تعبیر را کرده اند که بله پول مال مثلی است، اما مثلی به شرط حفظ قیمت است که خیلی تفاوت اساسی با فرمایش ایشان ندارد. اختلاف نظری را ما در بین فقها مشاهده می کنیم و قطعاً اگر بخواهد مبنای عمل بانکداری ما قرار گیرد، یا یک رأی باید رأی غالب پذیرفته شود، یا یک رأی مورد اجماع و اتفاق نظر قرار گیرد تا این که بتواند مبنای عمل واقع شود و اگر نه، در مقام بحث علمی بنده با ایشان هم عقیده هستم. بنده معتقدم وقتی که ارزش پول اعتباری کاسته می شود، از نوسان ارزش کالاها تفاوت دارد. این کاهش ارزش در اثر افزایش حجم نقدینگی و دخل و تصرفاتی است که احیاناً از ناحیه دولت یا سیستم بانکی انجام می گیرد. این اقدامات موجب کاهش قدرت خرید می شود و دیگر برگشت ندارد و یک طرفه است، و نتیجه این که قدرت خریدی را که قرض دهنده می دهد قید مالیت این پول است، و بر این اساس حق قرض دهنده است که همان قدرت خرید داده شده بود را پس بگیرد و اگر بر این مبنا مطابق نرخ تورم پول اضافی به او داده شود، ربا نیست.

ربا به معنای سود است. اینجا سودی نکرده و عملی بهره تلقی می شود که سود صدق کند. در این حالت سود پول نیست، بلکه قدرت خرید پولی است که داده شده بود و حالا باز پس داده می شود حتی حق قرض دهنده است. اگر بنا باشد کمتر از قدرت خریدی که او به ما داده است به او پس بدهیم، مخالف قاعده عدالت است. آن قرض دهنده مالی را داده بود که قدرت خریدی داشت، ما هم می دانیم این قدرت خرید در حال کاهش است و باید جبران شود و قاعده عدالت همین را اقتضاء می کند. نکته دیگر این که این مابه التفاوت را می توان حدس زد و پیش بینی کرد. در آغاز سال می توانیم پیش بینی کنیم میزان تورم چقدر خواهد بود، ارزش پول به چه میزانی کاهش می یابد اما نمی توان به طور قطعی آن را تعیین و اعلام کرد و بگوییم امسال به سپرده پس اندازها مثلاً ۱۵ درصد سود می دهیم، زیرا



**حاجی بابایی:**  
**واقعیت این است**  
**که با توجه به نرخ**  
**تورم، ارزش پول**  
**شناور است و ما**  
**به هر میزانی که**  
**در سال تورم**  
**داریم، قطعاً ارزش**  
**پول هم کاهش**  
**می یابد و این به**  
**دلیل تورمی است**  
**که در جامعه**  
**وجود دارد**

طلا یا نقره یا ترکیبی از طلا و نقره و ارز در بانک مرکزی نگهداری شود، ولی به طور واقعی این گونه نیست، و در حال حاضر در هیچ کشوری پشتوانه پول اعتباری، طلا یا مواد معدنی دیگر یا اشیای گرانقدر و نظایر اینها نیست.

پشتوانه پول اعتباری قدرت سیاسی و اقتصادی یک نظام است. اگر قدرت سیاسی و اقتصادی یک نظام بالا باشد، آن پول برش و برد دارد.

**حسینی هاشمی:** این همان پشتوانه است.

**مصباحی مقدم:** خیر. چون زمانی می گوئیم پشتوانه پول طلاست که مطلقاً امروزه این گونه نیست.

**بهرامپور:** اجازه دهید این بحث را ببریم در حوزه قانونگذاری و نظر جناب آقای حاج بابایی را هم در این باره بشنویم و ببینیم که نگرش قانونگذار، نگرش بدنه ناظر و برنامه ریز بانکی ما درباره مقوله ای به نام قرض الحسنه چیست؟ بنا به قولی آیا این یک فرصت است، یا یک تهدید؟ اگر تهدید است، چگونه آن را به فرصت تبدیل کنیم؟

**حاج بابایی:** امروز واقعیت این است که با توجه به نرخ تورم، ارزش پول شناور است و ما به هر میزانی که در سال تورم داریم، قطعاً ارزش پول هم کاهش می یابد و این به دلیل تورمی است که در جامعه وجود دارد و بانک های ما هم به دلیل نیازشان از شیوه های مختلف برای گردآوری نقدینگی استفاده می کنند. جامعه ما وارد یک موضوع اقتصادی تحت عنوان خصوصی سازی شده و میدان آن را هم باز کردیم و هر قدر هم توانستیم از این طریق نقدینگی را به عنوان بانک، به عنوان نظام بانکی و به نام دولت جمع آوری کردیم، این میدان را به بانک ها هم دادیم تا این کارها را انجام بدهند. بانک ها هم در یک رقابت تنگاتنگ وارد این مقوله شدند و هر بانکی برای اینکه بتواند از بانک دیگر و از مؤسسه مالی دیگر جلو بیفتد، از همه امکاناتش استفاده کرد، یعنی در واقع وارد یک بازار و میدانی شدید که حد حقیقتش را به راحتی نمی شود تعیین کرد. اما وقتی که یک موضوعی را تحت عنوان رقابت پذیرفتیم، باید ملزوماتش را نیز در جامعه بپذیریم.

**بهرامپور:** یعنی هر طوری هست، باید قبول کنیم؟

**حاجی بابایی:** خیر. بحث من قبول آن موضوع نیست، بلکه منظورم بر درست بودن یا غلط بودن این تفکر است. روی اصل این نوع تفکر باید فکر کرد. این تفکر در سالهای اخیر در بُعد اقتصادی به موضوعی تبدیل شده و میدان آن را باز گذاشتیم و این رقابت روز به روز سنگین تر و نزدیکتر می شود. نمونه آن، انبوه تبلیغاتی است که روی بیلبورد هر خیابانی خودنمایی می کند و در آن هر بانکی سعی می کند جوایزی را ارایه کند که از بانک دیگر بیشتر و چشمگیرتر باشد.

**بهرامپور:** جناب آقای حاج بابایی علت این موضوع را در چه می بینید؟ به عقیده جنابعالی فلسفه وجودی چنین اقدامات و چنین جوایزی چه امری می تواند باشد؟

**حاج بابایی:** علت اصلی همان رقابتی است که ما ایجاد کردیم. یا اعتقاد ما به سرمایه داری کنترل شده است یا معتقد به سرمایه داری رها هستیم، روندی که الان طی می کنیم از نوع سرمایه داری رها است. یعنی در واقع میدانی را باز کرده ایم که

پیش بینی کرده ایم که نرخ تورم امسال ۱۵ درصد خواهد بود. اصولاً چنین پیش بینی مشکل است، ولی تعیین سود پول یا به تعبیری تعیین جبران کاهش ارزش پول از آغاز سال و روی آن تأکید کردن نادرست است، بلکه این سال مالی است که باید طی شود تا در پایان سال ببینیم چه اتفاقی می افتد. ممکن است همین مقداری که پیش بینی کرده بودیم، رخ دهد و ممکن است کمتر یا بیشتر باشد و باید همان مقداری که اتفاق افتاده است، جبران شود نه بیشتر و نه کمتر.

**بهرامپور:** به نظر می رسد با دیدگاه هایی که در رابطه با بحث پول و تعریف پول و در واقع مصداق یابی این مسئله مطرح شده است، تا حدی مسیر صحبت ما روشن شد. به این نکته اشاره شد که شاید نتوان روی برخی از تخمین ها در ابتدای سال کاری انجام داد، در حالی که ما می بینیم مثلاً نهادهای سیاستگذاری مثل شورای پول و اعتبار یا شورای عالی بانک ها در این زمینه در مواقعی از سال اظهار نظرهایی می کنند و این را به عنوان یک سند رسمی در اختیار بانک ها و سیستم اقتصادی کشور قرار می دهند.

از طرف دیگر نظام قانونگذاری کشور در قالب برنامه های مقطعی مثل بودجه های سنواتی یا برنامه ریزی های بلندمدت مثل سند پنج ساله چهارم یا افق بیست ساله، جرح و تعدیل های دیگری را در این زمینه انجام می دهند. خوب است که در ابتدا نظر جناب آقای هاشمی را در برنامه ریزی ها و تصمیمات سالانه ای که برای هماهنگی بانک ها صورت می گیرد، بشنویم و بعد ببینیم نظام قانونگذاری کشور یعنی مجلس شورای اسلامی در این زمینه چه تصمیمی می گیرد.

**حسینی هاشمی:** چون پول در ابتدا به صورت اسکناس نبود، بلکه به صورت ارزش ذاتی بوده است، و جنس آن هم در پیشرفته ترین مرحله طلا و نقره بوده است و در این مرحله استقرار هم ارزش ذاتی داشته و دیگر کاهش ارزش پول مطرح نبوده و همان تعداد سکه ای که قرض داده می شد، همان تعداد هم پس می گرفته می شد و با تورم پول قدرت خودش را حفظ می کرد و این امر در ذاتش بود و وقتی که سکه های طلا به اسکناس تبدیل شد، اسکناس ارزش اعتباری پیدا کرد. در این زمان بحث قدرت خرید مطرح و گفته شد که پشتوانه اسکناس باید همان طلا باشد و آن قدرت خرید خودش را دارد، حتی قبل از سال ۱۹۷۵ و بعد از آن کنفرانس "برتن و دز" پیش آمد که در جریان آن قابلیت تبدیل دلار به طلا را قطع کردند. ایران هم همین کار را کرد و بعد از این کنفرانس طلا پشتوانه اسکناس شد و پشتوانه، ارزش خودش را دارد، ولی کسی که برگ اسکناس را در دست دارد، نماینده همان پشتوانه است. اکنون پشتوانه تغییرات زیادی کرده است، ولی آن کسی که برگ اسکناس در دستش است، نباید متضرر شود. چون روی آن اسکناس را نماینده وزیر امور اقتصادی و دارایی و رئیس کل بانک مرکزی امضا کرده اند که پشتوانه آن به میزان این مقدار طلا یا نقود بیگانه یا سایر دارایی دیگر است.

**مصباحی مقدم:** در حال حاضر پول اعتباری در هیچ سیستمی از سیستم های پولی دنیا برقرار نیست. از نظر حقوقی قانون فعلی کشور ما اقتضا می کند که معادل مقدار معینی مثلاً



**بهرامپور: یکی از وظایف شورای عالی بانک‌ها ارایه مشاوره به سیستم بانکی کشور است و در قانون به یک مورد به صراحت اشاره شده و آن هم ارایه مشاوره برای انتخاب مدیران عامل بانک‌ها است. اما به نظر می‌رسد که حیطه‌ی این اختیار وسیع‌تر از این قضیه است**

شاید خودمان هم به راحتی نتوانیم آن را کنترل کنیم. در این موضوع که اگر بانکی نقدینگی بیشتری داشته باشد، از قدرت بیشتری برخوردار است، مگر کسی شک دارد؟ یعنی در عرصه اقتصادی کشور هر بانکی - چه بانک صادرات، چه بانک ملی و چه بانک‌های دیگر - که بتوانند نقدینگی بیشتری را جمع‌آوری کنند، از قدرت مانور بیشتری برخوردار هستند. تعریفی که برای جمع‌آوری نقدینگی ارایه کردیم، به نظر من یک تعریف اسلامی کنترل شده نیست، یعنی اینگونه نیست که در بحث مسائل ربا و مباحث مختلفی که در طول سالهای اخیر زیاد هم به آن پرداخته شده است، به یک جمع‌بندی رسیده باشیم. موضوعی که در رابطه با بحث ارزش و قدرت پول مطرح شد، شاید مورد قبول همه علمای ما نباشد، یعنی فتوایی صادر می‌شود، ولی واقعیتی که در جامعه است، به گونه دیگری است. هیچ کس در این امر شک ندارد که وقتی یک میلیون تومان پول به کسی قرض داده شد، این مبلغ، سال بعد ۸۵۰ هزار تومان یا ۸۰۰ هزار تومان خواهد بود و در این امر نمی‌توان شک کرد. آیا فتوایی که در این زمینه صادر شده، با این موضوع که الآن در جامعه مطرح است، یکی است؟ مسلماً خیر. من فکر می‌کنم الآن در جامعه اقتصادی کشور ما قوانین سرمایه‌گذاری خارجی حاکم است، نه فتوای اسلامی. به نظر من در مسئله اقتصادی بیشتر یک نوع هرج و مرج اقتصادی حاکم است. به این دلیل نمی‌توانیم نوع جواز را کنترل کنیم، یعنی اگر ما امروز ۱۰ مورد یا ۱۵ مورد را به عنوان پارامترهای موجود مشخص کنیم و بگوییم قطعاً این شرایط را باید اجرا و اعمال کنیم تا به یک نتیجه منطقی برسیم و به هر بانکی بگوییم حتماً باید این نوع جواز را بدهید و بیشتر از این هم نمی‌توانید بدهید، در عمل بانک‌ها نمی‌توانند به این

موضوع جامه عمل بپوشانند. زیرا قبل از آن برای بانکها تکلیف جمع‌آوری نقدینگی را تعیین کرده‌ایم. بخش خصوصی به ما این اجازه را نخواهد داد. زیرا در حال حاضر بانک خصوصی و صندوق‌های قرض الحسنه‌ای داریم که تحت کنترل مستقیم دولت نیستند. آنها هم میدان را باز کرده و در حال جلو

رفتن هستند. بنابراین من فکر می‌کنم که ما باید اول حیطه تفکر اقتصادی‌مان را در جامعه از شیوه انجام کار مشخص کنیم تا ملزومات آن در جامعه برای ما کاملاً روشن شود. در غیر این صورت جلسه گذاشتن و بخشنامه نوشتن و حکم کردن برای این که باید جایزه اینگونه باشد، حتی اگر در حیطه نظر بتوانیم

آن را تصویب کنیم، در حیطه عمل با شکست روبه‌رو خواهد شد.

**حاجی نوروز:** شورای عالی بانک‌ها بر اساس لایحه قانونی اداره امور بانک‌ها یک سری وظایف خاصی را دارد. در این لایحه، سلسله‌مراتب تصمیم‌گیری اول بر عهده مجمع عمومی بانک‌ها و بعد شورای عالی بانک‌ها است. یکی از وظایف شورای عالی بانک‌ها ارایه نظر مشورتی در خصوص انتخاب مدیران عامل بانک‌ها و اعضای هیأت مدیره بانک‌ها است.

جوازی که بانک‌ها به سپرده‌گذاران قرض الحسنه می‌دهند، به این صورت است که آنها برای سپرده‌گذاری تشویق شوند و این سپرده‌های قرض الحسنه‌ای که مردم نزد بانک‌ها تودیع می‌کنند در چارچوب تصمیماتی که تصمیم‌گیرندگان عالی رتبه مملکت یعنی در درجه اول مجلس شورای اسلامی و بعد هیأت دولت می‌گیرند، از آن استفاده می‌شود.

یکی از مواردی که اخیراً برای اعطای وام قرض الحسنه خیلی استفاده می‌شد، در زمینه وام ازدواج و وام تهیه جهیزیه برای مزدوجین و اعطای کمک هزینه دانشجویی به صندوق‌های رفاه دانشجویی و یا برای نوسازی و بهسازی روستاها بوده است. از این وجوه در گذشته نیز بر حسب مورد استفاده می‌شد و اکنون برای اشتغال استفاده می‌شود. در ۲ سال گذشته بر اساس یکی از تبصره‌های قانونی برای ایجاد هر شغل وام قرض الحسنه داده شده است. از این وجوه به موجب تصمیم مدیران ارشد کشور برای مصارف عام المنفعه استفاده می‌شود. بنابراین با این جوازی می‌خواهند افراد مبالغی را به صورت قرض الحسنه نزد بانک‌ها بگذارند. معتقدیم علاوه بر اجر و پاداش معنوی، که دهنده قرض الحسنه خواهد برد، باید تشویق‌های دیگر هم مانند جوازی مالی باشد. چون

تعداد این سپرده‌گذاران خیلی زیاد است، لذا بر اساس قرعه نفرات را انتخاب می‌کنند.

**بهرامپور:** آقای حاجی نوروز، ببخشید این فرمایش قانونی شما درست است، ولی من به عنوان یک مخاطب توجیه نشدم که این جوازی استثنایی که بانک‌ها می‌دهند چه جایگاهی دارد. شما اشاره می‌کنید که تصمیم‌گیران ارشد این کار را می‌کنند، ولی من

در هیچ بخشنامه‌ای از هیأت دولت یا مصوبه‌ای از مجلس ندیده‌ام که به صراحت به این جوازی خیلی استثنایی اشاره کنند. فکر می‌کنم این جوازی به تصمیم‌گیری سیستم بانکی برمی‌گردد، و سؤال من این است چرا سیستم بانکی ما باید چنین کاری را انجام دهد؟ چرا باید این گونه باشد؟



**حاجی نوروز:** من در ابتدا مصارف این وجوه قرض الحسنه را عرض کردم که این منابع به مصرف خدمات عام المنفعه می‌رسد و همه مردم از آن استفاده می‌کنند، مصارف عام المنفعه‌ای است که مسئولان رده بالای کشوری تعیین می‌کنند، نه بانک‌ها. اما بانک‌ها برای جذب این وجوه عامل اجرایی هستند و برای این که وجوه را جذب کنند، جوایزی را می‌گذارند. در قانون عملیات بانکی بدون ربا و آیین‌نامه‌های مربوط به این جوایز اشاره شده و گفته شده بانک‌ها برای این که این وجوه را جذب کنند، می‌توانند جوایز مختلفی بدهند. از جمله بخشودگی کارمزد انجام عملیات بانکی و یا اولویت در استفاده از تسهیلات قرض الحسنه برای کسانی که وجوه قرض الحسنه نزد بانک‌ها می‌گذارند.

**بهرامپور:** پس جوایز پیش بینی شده در قانون جوایز استثنایی نیست؟

**حاجی نوروز:** در اوایل اجرای قانون عملیات بانکی بدون ربا سقف این جوایز را شورای پول و اعتبار تعیین می‌کرد و به مدت دو-سه سال هم همین کار را کرد. بعد این تصمیم را به مدیران عامل بانک‌ها محول کرد و پس از آن هیأت مدیره بانک‌ها، برای این که قرض الحسنه بیشتری را جمع‌آوری کنند و به این ترتیب قدرت اعطای تسهیلات قرض الحسنه بیشتری را به دست بیاورند تا از این بابت جایگاه بالاتری را برای بانک خودشان کسب کنند، میزان جوایز قرض الحسنه را به تدریج بالا بردند تا این که -اگر اشتباه نکنم- شاید سال‌های ۶۸ یا ۶۹ به نقطه‌ای رسیدیم که امروز هم رسیده بودیم، یعنی در یک رقابت شدید، میزان جوایز استثنایی به شدت بالا رفت تا جایی که از طرف دفتر مقام معظم رهبری یا از طریق مراجع دیگر دستور داده شد، این کار متوقف شود. وقتی اعطای جوایز به آن ترتیب متوقف شد، دو تا سه سال منابع قرض الحسنه‌ها به میزان قابل توجهی جذب نشد، یعنی می‌خواهم فرمایش جناب آقای دکتر حاج بابایی را تکرار کنم که بالاخره جامعه به ما باز خورد و نشانه‌هایی می‌دهد، بنابراین مجدداً این جوایز برقرار و اختیار آن به هیأت مدیره بانک‌ها سپرده شد.

به اعتقاد ما که به عنوان نظارت کننده بر بانک‌ها فعالیت می‌کنیم تا تقریباً دو سال قبل که بالاترین جایزه یک ماشین ماکسیما بود، اعطای جوایز از روال طبیعی برخوردار بود. یعنی جایزه‌ها خیلی فراتر نبودند تا این که آن بنز الگانس به میان آمد.

**حاج بابایی:** ماکسیما جایزه‌ای طبیعی و متوسط بود؟  
**حاجی نوروز:** بله. در عمل و تجربه ما متوجه شده‌ایم افرادی هستند که حساب‌های متعدد باز می‌کنند برای این که از این جوایز استفاده کنند. باز کردن حساب‌های متعدد هم وقت زیادی از کارکنان بانک‌ها را می‌گیرد و هم کارهای اداری فراوانی را می‌طلبد. از این رو بانک‌ها ارقامی را تعیین کرده‌اند و به آنها امتیاز می‌دهند. الان هر بانکی می‌گوید هر ۵۰ هزار ریال یا هر ۱۰۰ هزار ریال را یک امتیاز می‌دهم. روال جوایز از این نظر که بالاترین رقمش حداکثر همان قیمت یک ماکسیمای سی و چند میلیون تومانی بود، طبیعی بود. تا این که بانک ... بنز الگانس را به عنوان جایزه تعیین کرد.

**بهرامپور:** یعنی هیچ عاملی هم ناظر بر این کار نبود؟  
**حاجی نوروز:** بله. هیأت مدیره بانک‌ها بر این کار نظارت داشتند.

**بهرامپور:** یعنی هیأت نظارت بر بانک‌ها روی این قضیه هیچ کاری نکرد؟

**حاجی نوروز:** بله. ما ناظر بودیم و از نظر مقررات نظارت می‌کردیم.

**بهرامپور:** یعنی شما، هیچ فکر نکردید که چنین امری می‌تواند آثار تورمی یا آثار شکاف طبقاتی داشته باشد؟

**حاجی نوروز:** بله. این فکر را کردیم، که چنین موضوعی می‌تواند مشکل فرهنگی داشته باشد. گزارش آن را به شورای پول و اعتبار دادیم و در آن گزارش پیشنهاد کردیم که اولاً روند اعطای این جوایز متوقف شود و ثانیاً بین حداقل جایزه که چیزی حدود ۱۰ هزار تومان است و حداکثر جایزه‌ای که می‌دهند رابطه‌ای منطقی برقرار شود و پیشنهاد ما برای سقف جوایز در آن گزارش جایزه‌ای حول و حوش سی میلیون تومان بود. به موجب مقررات، توزیع این جوایز باید به نحوی باشد که حداقل ۵ درصد از این جوایز به هر استان تعلق بگیرد و بانک‌ها برای این که این موضوع را رعایت کنند، جایزه‌هایی با ارقام پایین مثل ۵ هزار تومان و ۱۰ هزار تومان را می‌گذارند و این مبالغ شاید زمانی رقم‌بدی نبود، ولی الآن بسیار ناچیز است. به همین دلیل پیشنهاد کردیم بین حداقل و حداکثر جایزه رابطه‌ای منطقی برقرار شود. محاسبات ما بر اساس میزان جذب قرض الحسنه‌ها نشان می‌داد که متأسفانه آن حداقل را نمی‌توانیم خیلی بالا ببریم. شاید حداقل را به ۲۵ هزار تومان برسانیم. پس باید آن ۵ درصد را تغییر می‌دادیم، یعنی باید تعداد را کاهش می‌دادیم. برای آنکه آن را هم تغییر ندهیم، حداقل جوایز را ۵ هزار تومان تعیین کردیم. معتقدیم این گونه قرعه‌کشی‌ها جنبه لاتاری به خودش گرفته که اگر چه از نظر شرعی - همان طوری که آیت الله بجنوردی اشاره فرمودند - شاید اشکالی نداشته باشد، ولی صرفنظر از مسائل شرعی ما معتقدیم چنین ترتیبانی مثل لاتاری‌ها از سوی بانک‌ها درست نیست. باید میزان این جوایز معقول و متعادل باشد و سقف آن خیلی پایین‌تر بیاید. فکر می‌کنم این بهتر باشد و نظر شورای عالی نظارت بر بانک‌ها این است که ما باید مبلغ جوایز را تغییر بدهیم.

**بهرامپور:** جناب آقای عطفی جنابعالی بفرمایید که راهکارها و پیشنهادهای شما در این زمینه چیست؟

**عطفی:** مسئله‌ای که در مورد حساب‌های قرض الحسنه پس‌انداز وجود دارد این است که در بانکداری اسلامی ظاهراً تصور می‌شود که حساب سپرده قرض الحسنه در این سیستم شاید از لحاظ شرعی جایزترین وجوه باشد. به دلیل اینکه بدون در نظر گرفتن سود و نفع از پیش تعیین شده است، ولی طبق قانون بانک‌ها می‌توانند جوایزی را به صاحبان حساب‌های قرض الحسنه بدهند، یعنی هیچ تکلیفی به بانک‌ها نشده بود که حتماً باید جوایزی را بین سپرده‌گذاران توزیع کنند. در اوایل سالهای پیروزی انقلاب اسلامی رویکردی اخلاقی به اقتصاد داشتیم و اکنون با این تبلیغاتی که بانک‌ها می‌کنند، ظاهراً به

**عطفی: تبلیغات ابزار مؤثری در جذب منابع است و آمار بانک‌ها در مقاطعی که تبلیغات دارند، نشان می‌دهد که تا چه اندازه‌ای تبلیغات کار او مؤثر است**



کریمی: باید بررسی کنیم که چرا صندوق‌های قرض الحسنه به یکباره تا ۶ هزار صندوق رشد می‌کنند و این به این دلیل است که مردم تصور می‌کنند سیستم بانکی ما نیازهای ضروری آنها را برآورده نمی‌کند و اگر تبلیغات را به سمت و سویی ببریم که مردم از فعالیت‌های بانک‌ها آگاه شوند، قطعاً در این راه موفق خواهیم شد



آن رویکرد مقداری خدشه وارد شده است و در بین اقشار جامعه به خصوص اقشاری که جنبه‌های اخلاقی و دینی مسئله را بیشتر مد نظر دارند، نگرانی ایجاد شده است. تبلیغات ابزار مؤثری در جذب منابع است و آمار بانک‌ها در مقاطعی که تبلیغات دارند، نشان می‌دهد که تا چه اندازه تبلیغات کارا و مؤثر است. از یک سو اگر این تبلیغات را کنار بگذاریم و به سمت روش‌های دیگر تبلیغاتی برویم شاید با این نوع حساب (قرض الحسنه)، جامعه به لحاظ اخلاقی و فرهنگی بهتر برخورد کرده و اجازه ندهیم جامعه دچار سؤال و تنش شود، ولی از طرفی دیگر بانک‌ها قادر نخواهند بود منابعی را جذب کنند، چرا؟ چون در سیستم بانکداری ما، فرصت‌هایی که برای سپرده‌گذاری وجود دارد، مشخص و محدود است. سپرده‌گذار یا مشتری می‌تواند فعالیت‌های تجاری را در قالب سپرده‌گذاری، حساب جاری قرض الحسنه و یا بلند مدت نگاه کند و سودهایی هم به صورت علی‌الحساب و هم به طور مقطعی، دریافت کند. برای مشتری نوع سوم این جا فرصتی نیست. از این رو من می‌توانم اذعان کنم که این حساب قرض الحسنه پس‌انداز هم کاملاً جنبه لاتاری پیدا کرده است. فکر می‌کنم مقداری به آمار و ارقام نیاز داشته باشیم، چون که همواره رسوب وجود دارد؛ یعنی کسانی هستند که همواره به دلایل مختلف پول خود را در حساب سپرده پس‌انداز قرض الحسنه می‌گذارند و شاید به منظور قرعه‌کشی نباشند. از طرف دیگر می‌بینیم که عده کمی هم هستند در ایام تبلیغات و اعطای جوایز پول خود را از حساب پس‌انداز کوتاه مدت به حساب سپرده پس‌انداز قرض الحسنه واریز می‌کنند، یا منابع بیشتری را واریز می‌کنند تا بتوانند از امتیاز بیشتری برخوردار شوند.

**بهرامپور:** به نکته خیلی خوبی اشاره کردید که ما این سیستم را اخلاقی - اسلامی کنیم، اگر رنگ و بوی سرمایه‌داری به خودش گرفته است ما با رعایت اخلاق و در نظر گرفتن معیارهای اسلامی آن را اصلاح کنیم. آیا در مجموعه‌ای که خودتان به آن اشاره کردید ما می‌توانیم راهبردهایی را در نظر بگیریم که در یک تعدیل بطئی میان مدت، نظام جوایز قرض الحسنه در کشور به گونه‌ای اصلاح شود که برخی تنش‌ها، انتقادات و مسائل دیگر مطرح نشود؟ آیا چنین امری امکان‌پذیر است؟

**عطوفی:** الآن رقمی غیر قابل تصور، حول و حوش ۶۰ میلیون فقره حساب پس‌انداز قرض الحسنه - حساب‌هایی که مشمول جوایز می‌شوند - در سیستم بانکی وجود دارد. اگر حساب‌هایی که حداقل شرایط را ندارند، به این رقم اضافه کنیم، قطعاً به رقم بیشتری خواهیم رسید. حدود ۷ یا ۸ درصد حداقل هزینه تمام شده این وجوه برای بانک است. پس می‌بینید برای بانک‌ها از این جهت هیچ نفعی وجود ندارد. بانک‌ها اگر منابعی را جذب می‌کنند صرفاً می‌خواهند سهم خود را در بازار فعالیت‌های اقتصادی زیاده‌تر کنند و خود این حساب‌ها شاید برای بانک‌ها جز زیان چیز دیگری نداشته باشد، رقم ۲ درصد مبلغ جوایز برای ۵ درصد سپرده‌گذاران، حدود ۱۴۰۰ تومان سرانه برآوردی است و اگر بخواهیم جوایز را محدود به آن ۵ درصد مشتریان کنیم، سرانه چیزی حدود ۲۴ هزار تومان خواهد

شد. حالا اگر این رویکرد بخواهد اخلاقی باشد باید تأثیر آن را بر جذب منابع بانک‌ها دید و اگر بخواهیم روی جذب منابع تکیه کنیم، از کدام منبع باید مصارف قرض الحسنه تأمین شود؟ زیرا افراد زیادی هستند که به وجوه قرض الحسنه نیاز دارند و باید آنها را در نظر داشت. آیا ما به دلیل اینکه جنبه‌های اخلاقی را در نظر بگیریم، حاضر هستیم نیاز عده‌ای از نیازمندی را که به این منابع احتیاج دارند، تأمین نکنیم؟

با این تجربه‌ها می‌توانیم در جوایز حساب‌های قرض الحسنه بازنگری کنیم و امکان آن نیز وجود دارد، منتهی به میزانی که جنبه تبلیغات را از دست ندهیم.

**بهرامپور:** جناب آقای کریمی، من از جناب عالی می‌خواستم که دیدگاه خودتان را درباره تأثیر سیستم قرض الحسنه در نظام پولی و بانکی کشور بیان بفرمایید.

**کریمی:** در فصل دوم از ماده سه آیین‌نامه قانون عملیات بانکی بدون ربا به طور دقیق به این نکته اشاره شده است که بانک‌ها می‌توانند - یعنی از کلمه می‌تواند استفاده کرده - به منظور تجهیز سپرده‌های قرض الحسنه، بدون تعهد و قرارداد با سپرده‌گذار، هر یک و یا تمام امتیازات - یک سری امتیازات را برای سپرده‌گذاران در نظر گرفته‌اند مانند اعطای جوایز غیرنائب نقدی یا جنسی، تخفیف یا معافیت در پرداخت کارمزدها - را به سپرده‌گذارها بدهند. قانون و دستورالعمل‌های اجرایی درست نوشته شده است، ولی ما در مقام اجرا تا حدودی بد عمل کرده‌ایم، جناب آقای حسینی هاشمی، اشاره فرمودند که باید به ۵ درصد تعداد حساب‌ها جایزه بدهیم، اما این رقم در قانون بین ۵ تا ۱۰ درصد است و آماری که ما گرفته‌ایم در بانک‌ها همیشه حدود ۵ درصد است. براساس ماده شش دستورالعمل اجرایی اعطای جوایز قرض الحسنه‌ها، در سال ۶۳ مبلغ یک میلیون ریال برای سقف جوایز تعیین شد و برای سال‌های ۶۴ و ۶۵ همین رقم تمدید شد، ولی بعدها به تقاضای دو تن از مدیران عامل بانک‌ها این موضوع در شورای عالی پول و اعتبار مطرح شد و تعیین این سقف را در اختیار مدیران عامل بانک‌ها گذاشتند. متأسفانه بانک‌ها بین نسبت حداقل و حداکثر هیچ موقع اعتدال را رعایت نکرده‌اند، ولی بانک‌ها هزینه تبلیغات را که باید حداکثر مبلغ آن ۲ درصد، از ۲ درصد اعتبار جوایز باشد، هیچگاه رعایت نکرده‌اند. درست است تبلیغات باعث می‌شود که مشتریان بیشتری به بانک بیایند و سپرده‌گذاری کنند، ولی باید جهت تبلیغات تغییر کند. مثلاً در تبلیغات گفته شود امسال چه میزان از نیازهای ضروری مردم از راه اعطای تسهیلات قرض الحسنه برطرف شده است؟ بابت ازدواج چه مقداری تسهیلات قرض الحسنه پرداخت شده است؟ افراد خیر زیادی هستند که می‌توانند پول خود را در بانک بگذارند، بدون اینکه نیازی به جایزه داشته باشند. حتی قانونگذار وقتی می‌گوید "می‌توانند" یعنی خواسته است رضای خاطر آن سپرده‌گذار را تأمین کند. اگر بانک‌ها واقعاً در این جهت حرکت و تبلیغ کنند و مقداری به سپرده‌های کوچک و به ارزش‌های معنوی توجه کنند، مطمئن هستم افرادی پیدا خواهند شد که پول خود را نزد بانک‌ها خواهند گذاشت.

تبلیغات و رقابت خوب است، ولی من فکر می‌کنم اگر بتوانیم



**حاجی نوروز:**  
قوانین فعلی  
دستورهای  
اداری است و اگر  
بخواهیم وحدت  
رویه را برقرار  
کنیم، باید از  
طریق شورای  
پول و اعتبار به  
تصویب برسد

حساب قرض الحسنه و طولانی تر کردن مدت آن بیشتر خواهد شد. فکر می‌کنم اگر برای جوایز سقفی حدود ۵ میلیون تومان گذاشته شود، رقم متعارفی باشد. زیرا نباید فرد با بردن مبلغ جایزه احساس کند اتفاق عجیب و بزرگی در زندگی اش روی داده است.

**پیشنهادهای من:**  
تحقیقی به عمل آید تا مشخص شود تبلیغات در افزایش میزان پس اندازها تا چه حد تأثیرگذار است.

**حسینی هاشمی:**  
این موضوع بررسی و مشخص شده که تأثیر تبلیغات خیلی بالا است.

**مصباحی مقدم:**  
اطلاعاتی که بنده از سالهای گذشته دارم این است که مانده حساب های پس انداز و جاری در طی بیست



سال گذشته حدود ۳۰ تا ۳۵ درصد منابع بانکی بوده و اگر بتوان اعداد و ارقام حساب های پس انداز را مقایسه کنیم برای ما روشن می شود که تبلیغات تا چه میزان در این زمینه تأثیر دارد. هر ساله یک رشد کلی در منابع بانکی داریم و میانگین این رشد سالانه ۳۰ درصد بوده و سال گذشته این میزان به ۳۱ درصد رسیده و منابع بانکی به طور دایم در حال افزایش است و حدود ۹۳ درصد نقدینگی جامعه در سیستم بانکی است.

**بهرامپور:** این میزان نشان دهنده اعتماد مردم به سیستم بانکی است.

**مصباحی مقدم:** بله. می‌خواهم بپرسم جوایز این میزان را چند درصد بالا یا پایین خواهد برد؟ اگر جوایز را در نظر بگیریم، آیا این میزان مثلاً به ۹۷ درصد خواهد رسید؟ یا اگر این جوایز را در نظر نگیریم، آیا این میزان به ۸۰ درصد کاهش پیدا خواهد کرد؟ خلاصه باید ببینیم نقش این جوایز چشمگیر است یا خیر؟

**بهرامپور:** خیر، موضوع اصلی نقل و انتقال از حساب ها است.

**مصباحی مقدم:** عذر می‌خواهم که چنین صریح عرض می‌کنم. پس این به معنای آن است که سیستم بانکی از ابزار تبلیغات سواستفاده می‌کند و منابعی را که در سپرده های کوتاه مدت بوده، به حساب های قرض الحسنه می‌کشاند. زیرا ۸ درصد سود حساب های پس انداز کوتاه مدت برای سپرده گذار زیاد چشمگیر نیست، ولی فلان جایزه ویژه حساب های قرض الحسنه بسیار دلنواز است.

حتماً شما می‌دانید که در سیستم بانکی ما منابع کوتاه مدت در حال تبدیل شدن به منابع بلند مدت است و در منابع

در این جهت حرکت کنیم و رابطه ای منطقی بین حداقل جایزه و حداکثر آن برقرار کنیم. می‌توانیم بخش عمده ای از این مشکل را حل کنیم و این کار را خیلی راحت با صدور بخشنامه ای می‌توان انجام داد.

**بهرامپور:** تا اینجا مسئله و مشکل مطرح شد، حالا قدری عملگرتر با موضوع

برخورد کنیم و به سراغ رهیافت ها و راهبردها برویم. از آقای مصباحی مقدم خواهش می‌کنم که در این خصوص نظرات خودشان را مطرح کنند.

**مصباحی مقدم:**  
در قرض اصل بر احسان است، ولی در معاملات اصل بر سود است، البته این طور نیست که حتماً به فرد قرض دهنده باید احسان کرد. پس

جوایز این حساب ها را می‌توان از این بابت توجیه کرد، اما نکته قابل توجه این است که جوایز نباید ارتباط تنگاتنگ و جدولی با مبالغ پس اندازها داشته باشد به این سبب که بانک ها می‌گویند هر ۵۰ هزار ریال یک امتیاز، اگر این ۵۰ هزار ریال ۲ تا ۲۰ امتیاز والی آخر.

این ارتباط جدولی با مسئله احسان سازگاری ندارد و این نکته مهمی است. علاوه بر این، این ذهنیت را به وجود می‌آورد که اگر نگوییم ربا می‌شود باید در سیستم بانکی کاری کنیم که ذهنیت عامه مردم را از هر گونه آغشتگی این جوایز به بهره دور کنیم و به نظر من این رابطه جدولی بین میزان پس اندازها و جوایز حتماً باید برداشته شود.

در جامعه ما کسانی هستند که برای ۱۰۰ هزار تومان پول به هر دری می‌زنند و حتی در این راه به فساد کشیده می‌شوند و این ارقام که با طبقه ضعیف و حتی متوسط جامعه هیچ تناسبی ندارد، باعث می‌شود که مسئله قرض الحسنه از احسان دور شود.

اگر بانک ها در تبلیغات خود میزان وام های قرض الحسنه ای که مثلاً برای ازدواج پرداخت شده و یا تعداد خانه های روستایی ساخته شده با کمک این وجوه و سایر مصارف آن را در لیستی به جامعه ارایه و به طور مرتب روی آن تأکید کنند، انگیزه برای پس انداز کنندگان با توجه به فرهنگ بالای جامعه بیشتر می‌شود، زیرا با این کار اثرات این قرض الحسنه ها محسوس تر و ملموس تر خواهد شد. به عنوان جایزه نیز می‌توانید اعلام کنید تا این سقف میزان پس انداز اگر کسی داشته باشد، می‌تواند فردی را برای دریافت وام قرض الحسنه به بانک معرفی کند. اگر چنین خدماتی داده شود، قطعاً انگیزه برای افتتاح

بلند مدت حدود ۴۵ تا ۴۷ درصد رشد داشته ایم.

نکته دیگر این است که بر اساس آیین نامه های بانکی، بانک ها می توانند ۱۰ درصد منابع پس انداز قرض الحسنه را به صورت تسهیلات قرض الحسنه در اختیار مردم قرار دهند و ۹۰ درصد باقی را به نحو دیگری بهره برداری کنند.

**عطوفی:** این نکته را باید تصحیح کنم که ۱۰ درصد کل تسهیلات بانک باید تسهیلات قرض الحسنه باشد.

**مصباحی مقدم:** می دانیم که ۴۰ درصد منابع بانکی از محل حساب های پس انداز قرض الحسنه و مانده حساب های جاری قرض الحسنه است و به هر حال در اینجا مابه التفاوت قابل توجهی وجود دارد.

**بهرامپور:** جناب آقای بجنوردی آیا امکان دارد دولت اسلامی به بانک ها تکلیف کند تسهیلاتی مانند پرداخت پول بیمه، عوارض نوسازی، هزینه آب و برق و غیره را به عنوان حمایت از مردم از محل منابع کسب شده قرض الحسنه به مردم بدهد؟

**موسوی بجنوردی:** دولتی را که می گوئید منظور کل مجموعه نظام شامل قوه مقننه، قوه مجریه، قوه قضاییه است که موظف هستند در جهت رفاه، امنیت و فرهنگ جامعه حرکت کنند و این از خصوصیات حکومت اسلامی است. اما در مسئله بانک کمی متفاوت است. بانک امین پول مردم است و حکومت نمی تواند با پول مردم این کار را انجام دهد، ولی می تواند از بودجه عمومی این کار را انجام دهد.

تا زمانی که بانک ها در مسئله جواز به وحدت رویه دست پیدا نکنند، این مشکل حل نخواهد شد. زیرا اگر بانکی بگوید ماشین فلان می دهم و بانک دیگری بگوید نظام پاداش معنوی را پیاده می کنم، همه مردم به سوی بانک اولی می روند.

باید این موضوع به شکل وحدت رویه در آید تا به یک روش معقولی دست پیدا کنیم. وقتی که من از خیابان ها عبور می کنم و در تبلیغات می بینم که گفته می شود کیلومترها اسکناس ۲ هزار تومانی می دهیم، بسیار ناراحت می شوم. زیرا این گونه تبلیغات اصلاً زینده نظام اسلامی نیست و این طریق تبلیغات مختص به کشورهایی است که در آنجا فقط معیار پول است و بس. ما باید در جامعه بر اساس واقعیت ها صحبت کنیم و بگوییم جایزه

می دهیم، مثل لاتاری. چه اشکال دارد که بگویید ۱۰۰ نفر را به مکه می بریم و واقعاً آنان را به مکه ببرید و نه وجه آن را به آنها بدهید، ۱۰۰ نفر را هم به سوریه ببرید، اما ده کیلومتر اسکناس به سیستم بانکی و حتی پول ملی خدشه وارد می کند.

**بهرامپور:** جنابعالی مسئله وحدت رویه را برای رسیدن به یک اجماع مطرح کردید، سؤال من این است که راهکار یا پیشنهادهای شما برای رسیدن به این وحدت رویه چیست و چه راه هایی را پیشنهاد می کنید؟

**موسوی بجنوردی:** معتقدم برای رسیدن به این وحدت رویه از آقایان صفدر حسینی شیبانی و مدیران عامل بانک ها و کسانی که در این زمینه آنان را قبول دارید، دعوت به عمل آید تا سقف و کیفیت این جوایز را با توجه به شئون و ارزش های جامعه طوری تعیین کنند تا با معیارهای اجتماعی و اسلامی در تضاد نباشند. از دست ندادن ارزش ها برای ما اصل است. این جوایزی که در حال حاضر مطرح است بانک ها را نزد مردم کوچک کرده است. در حالی که بانک نهادی شریف و شریان حیاتی و اقتصادی کشور است و نباید آن را نزد مردم کوچک کرد.

نکته دیگر این که باید به مردم بگوییم کسانی که قرض الحسنه به بانک ها می دهند، به آنان تفاوت نرخ تورم داده می شود و اگر این را مردم بفهمند که شما نرخ تورم، یعنی پول خودشان را به آنها پس خواهید داد در جذب سرمایه های مردم خیلی تأثیر خواهد داشت.

**حاجی نوروز:** درخصوص وحدت رویه باید بگوییم که قوانین فعلی دستورهای اداری است و اگر بخواهیم وحدت رویه را برقرار کنیم، باید از طریق شورای پول و اعتبار به تصویب برسد و آن چیزی که در دست هیأت مدیره بانک ها قرار دارد، فقط سقف جوایز است.

نکته آخری که می خواستم در باره فرمایش حضرت آیت الله بجنوردی به آن اشاره کنم، جبران کاهش ارزش پول بر اثر تورم برای سپرده گذاران قرض الحسنه است که البته فکر جالبی است، ولی من نمی دانم بانک ها از چه منبعی باید این موضوع را تأمین کنند و فکر می کنم منابع مالی بانک ها اجازه چنین کاری را نمی دهد.

**بهرامپور:** ضمن تشکر از تذکرات آقای حاجی نوروز، از آقای عطوفی می خواهم در این باره نظرات خود را مطرح کنند.





**عطوفی:** اجازه دهید من روی کمیت موضوع صحبت کنم. کل میزان این جوایز حول و حوش ۶۰ میلیارد تومان است که به جز چند جایزه بزرگ که انعکاس آن خیلی زیاد بوده، باقی جوایز در حد متعارف است. ما سه تا چهار مورد جایزه در سال گذشته داشتیم که انعکاس آن در جامعه زیاد جالب نبود. ولی باقی اقدامات بانک‌ها در این باره متناسب با جنبه‌های فرهنگی و ظرفیت فرهنگی جامعه بوده است.

**کریمی:** استنباط من این است که تبلیغات برای بانک‌ها صرفه اقتصادی دارد و باید بررسی کنیم که چرا صندوق‌های قرض الحسنه به یکباره تا ۶ هزار صندوق رشد می‌کنند و این به این دلیل است که مردم تصور می‌کنند سیستم بانکی ما نیازهای ضروری آنها را برآورده نمی‌کند و اگر تبلیغات را به سمت و سویی ببریم که مردم از فعالیت‌های بانک‌ها آگاه شوند، قطعاً در این راه موفق خواهیم شد.

**حاج بابایی:** در پایان می‌خواهم عرض کنم اگر جوایز را محدود و برخی را ممنوع کنیم، در کوتاه مدت این عمل جواب خواهد داد، ولی افرادی که پول‌های کلان در اختیار بانک‌ها قرار می‌دهند همه آن برای احسان و اجر معنوی نیست، بلکه برای رسیدن به جوایز استثنایی است و اگر بگوییم بین کسی که ۱۰ هزار تومان دارد با کسی که یک میلیون تومان دارد فرقی نیست، همان‌طور که جناب عطوفی فرمودند تعداد حساب‌ها را بی دلیل افزایش خواهیم داد و هزینه زیادی را سربار سیستم بانکی خواهیم کرد و این شیوه اقتصادی که انتخاب کردیم همین ملزومات را طلب می‌کند. متأسفانه در کشور ما هر کس خودش عمل می‌کند و سعی می‌کند به شکلی عمل کند که به نفع دستگاه خودش باشد و کلان نگر نیست.

با محدود کردن می‌توان در کوتاه مدت این مشکل را حل کرد، ولی در بلند مدت این عمل کارساز نخواهد بود.

**بهرامپور:** قطعاً بدنه تصمیم گیرنده کشور در مجلس، دیدگاه‌های اقتصادی خود را به صورت مصوبات قانونی ارایه خواهند کرد که از این بابت هیچ مشکلی وجود ندارد و از طرف دیگر اطمینان داریم نظام بانکی کشور چه در حوزه اجرا و چه در حوزه برنامه ریزی با توجه به مسئله و معضلی که به وجود آمده است، بتواند راه حل نوینی را ارایه دهد.

به عنوان ختم کلام امیدواریم بانک‌های صادرات در این زمینه پیشرو و صف شکن باشد تا تسهیلات با شرایط آسانتری برای همه اقشار جامعه فراهم شود.

**فصلنامه بانک صادرات:** این نشریه به نوبه خود از تمامی میهمانان گرامی قدر دانی و سپاسگزاری می‌کند.

مشکل در این است که مجاز نیستیم بیشتر از ۲ درصد میزان سپرده‌ها را به صورت جایزه بدهیم و در حال حاضر گزینه دیگری برای تغییر آن وجود ندارد. نکته دیگر این است که بانک‌ها بنگاه‌های اقتصادی هستند و سؤال این است که تا چه میزان می‌توان بانک‌ها را درگیر فعالیت‌های اجتماعی خدایسندانه کرد تا از فعالیت‌های اقتصادی دور نشوند؟ و اگر بنا باشد بانک‌ها برای اهدای جوایز به سمت فعالیت‌های اجتماعی بروند و وظایف سایر نهادها را برعهده گیرند، شاید تا حدی از کارکرد بانکداری دور شویم و هزینه‌های جانبی زیادی را بر بانک‌ها تحمیل کنیم.

نکته بعدی این است که اگر به فرموده آقای مصباحی مقدم، امتیازهای حساب‌ها را برداریم، تعداد مشتریان بانک‌ها به جای ۶۰ میلیون نفر به ۳۰۰ میلیون نفر می‌رسد. چون به لحاظ نرم افزاری بانک‌ها در مرتبه‌ای نیستند که یک فرد بتواند فقط یک حساب در یک بانک داشته باشد و در حال حاضر هر فرد می‌تواند در هر شعبه‌ای از بانک یک حساب باز کند و این موضوع سبب خواهد شد تا هزینه‌های بانک‌ها مجدداً افزایش پیدا کند. اگر این راه‌ها را برای افرادی که می‌خواهند در قرعه کشی شرکت کنند ببندیم قطعاً راه‌های دیگری پیدا خواهند کرد، اما قانون مقرر داشته است که هر نفر فقط می‌تواند در یک مرحله از قرعه کشی یک جایزه را ببرد.

در مورد تعداد جوایز نیز در حال حاضر حدود ۵۰ درصد جوایز بانک‌ها ۵ هزار تومانی است و اگر جوایز ۱۰ هزار تومانی را نیز حساب کنیم ۹۴ درصد جوایز را تشکیل خواهند داد و اگر دو یا سه جایزه برجسته را حذف کنیم، باقی جوایز در متعارف هستند.

**موسوی بجنوردی:** منابع تأمین این جوایز از کجا است؟